

تحولاتی که در قوانین جزائی بوجود آمده (قسمت دوم)

در قرون پیشین تحولاتی که در قوانین جزائی صورت میگرفت تحولات طبیعی و تغییراتی بود که نیازمندیهای افراد ایجاد میکرد ولی پس از اینکه در کشورهای متقدم قوانینی برای مجازات بزهکاران وضع و تصویب شد و مورد عمل و اجرا قرار گرفت این موضوع از نظر فلسفی و روانشناسی نیز تحت مطالعه درآمد و محققین و دانشمندان و فلاسفه و روانشناسان بدو از خود این پرسش را مینمودند که «آیا مجازات بخودی خود از فساد اجتماع جلوگیری نموده و جامعه‌ای را اصلاح کرده بزهکاران را از تباهکاری باز میدارد یا نه؟ و در صورتیکه مجازات مفید تشخیص شود آیا بزهکار را بنظر انتقام باید مجازات کرد یا بفکر اصلاح شخصی او یا بهبود وضع جامعه؟»

پیروان مکتب کانت Kant و ژرف دستر Joseph de Maister عقیده داشتند که بزهکار بمکافات عمل نکوهیده‌اش باید مجازات شود.

ولی علمای دیگر این عقیده را پیروی ننموده و مجازات را از حیث اینکه با اعتقاد آنان منحرف را از انحراف و بزهکار را از بزهکاری باز میدارد تجویز میکردند.

اینان پیرو عقیده بکاریا (Beccaria) دانشمند ایتالیائی که بعداً بوسیله بتنام (Bentham) عالم انگلیسی تفسیر، و بعدها بنام عقیده کلاسیک معروف گردیده بودند.

این اندیشه ارتباط نزدیکی با افکار فلسفی قرن هیجدهم دارد و عقیده‌ایست که باید آنرا تفکیکی نامید زیرا در این پندار بزهکار منفک از بزه و مانند یک وجود مجزا فرض میشود که صدور مسئولیت او در ارتکاب جرم روی یک سری عوامل و مبادی ماوراء الطبیعه برقرار شده.

پیروان این مکتب میگویند «بشر روحی دارد ممتاز و میتواند کارهای نیک و پسندیده انجام دهد و کسی که بجای نیکی مرتکب بدی میگردد مقصر است و مسئول کردار نکوهیده خویش: مجازات باید از طرفی بانقمام عمل بزهکار و از طرف دیگر برای اصلاح او تا حدی که مفید واقع شود اجرا گردد»

اگر درست دقت شود افکار و اندیشه‌های فلاسفه‌های زمان مانند ویکتور کوزن Victor Cousin و ژوفروی Jouffroy کاملاً در این عقیده منعکس است.

در اواخر قرن نوزدهم عقیده نوینی در مقام مخالفت با عقیده کلاسیک ظهور نمود که با جار و جنجال شگفت‌انگیزی مواجه شد این عقیده مکتب اثباتیون Postiviste است که بیشتر متمایل بجهات مادی قضایاست.

نحولاتی که در قوانین جزائی بوجود آمده

پیدایش این مکتب که رابطه نزدیکی با عقیده اثباتی او گوست کنت - Auguste Comte دارد ابتدا در ایتالیا بوده و افراد معروفی که برای نخستین بار تخم این اندیشه را افشاندند در مقام اول پزشک معروف لومبروزو مؤلف کتاب مردجانی بعد دونفر وکیل دادگستری و مشاور حقوقی انریکوفری Enrico - Ferri نگارنده کتاب علم الاجتماع جنائی و گاروفالو Garofalo قاضی دادگستری مؤلف کتاب جرم شناسی بودند که عقاید و آراء جدیدی را در کتابهای فوق الذکر انتشار داده اند.

این مکتب تا ۱۹۱۴ در ایتالیا و فرانسه طرفداران زیادی پیدا کرد و مکتبی شناخته شد تجربی و دور از اصول نظری! مجازات در این مکتب بر حسب کیفیت جرم و شدت وضعف آن و میزان گناه بزهکار و اوضاع و احوال و جریان عمل درجه بندی شده و در حقیقت در این مکتب میتوان گفت یک قسم مقیاس و اندازه گیری برای مجازات شروع و تاخلف آن منتهی میشود و اساساً اثباتیون معتقد بودند که در دنیای مادی عقیده کلاسیک قابل عمل نیست و نباید پیروی شود و این تنها مکتب اثباتی است که حقوق جزا را از طریق تجربه و آزمایش تهیه و تدوین نموده و باید مورد عمل قرار گیرد.

از مشخصات این مکتب یکی هم اینست که تأثیر شخص بزهکاران را در تصمیم بارتکاب بزه منکر بوده وقوع جرم را بیشتر تحت تأثیر عوامل و جهات خارجی میداند (جبر) و از اینرو میشود گفت که اثباتیون طرفدار تصمیم اختیاری از طرف بزهکار نبوده و وقوع بزه را نتیجه شوم یک سلسله عوامل خارجی میدانند که بعضی از آنها مانند وراثت از شخص مجرم منفک نبوده و بعضی دیگر مجزا از وی و مرتبط با محیطی است که در آن زندگی مینماید و حتی بعضی از دانشمندان این مکتب مانند فری معتقدند که در یک محیط معلوم، مادام که شرایط زندگی ثابت مانده و عوض نشده باشد میزان بزهها ثابت و غیر تغییر خواهد ماند و از اینجاست که پیروان این مکتب آنچه را که برای جلوگیری از وقوع جرم مؤثر میدانند تنها دفاع اجتماعی است و از تقصیر و مسئولیت اخلاقی کوچکترین نگرانی ندارند و دفاع اجتماعی نیز بدست نیاید مگر با ضمانت اجرائی مطلق دعاوی از هر رنگ اخلاقی یا وسایل دفاعی قبلی که فری آنها را جانشین مجازات میشمارد.

ولی خوب باید توجه داشت که بزهکاران نیز از لحاظ طبیعت شان باهم اختلاف زیادی دارند و از اینجانب که اثباتیون مجرمین را بچندین دسته مجزا از هم و متمایز تقسیم کرده اند :

۱ - کسانی که از روز آفرینش بزهکار آفریده شده اند .

این عنوان از مطالعات طبی لومبروزو وارد تحقیقات حقوق جزا شده و پزشک نامبرده از بعضی از علایم ظاهری و قیافه افراد مانند کوچکی جمجمه و بزرگی فک و درازی بازوان و پهنی لاله گوشها که در مقابل نیش زنبور یا سوزن بی حس باشند تصور نینمود که دارندگان علائم مزبور جانیان بالقطره هستند.

ولی امروزه این عقیده پیرو زیادی ندارد بجای بزهکاران آفرینشی عقیده بوجود مجرمینی دارند که غیر قابل اصلاح بوده و باید از اجتماع رانده شوند

تحولاتی که در قوانین جرمی بوجود آمده

۲ - جنایتکاران مجبور

این نوع مجرمین باید در تبعید گاه بسر برند و چون بعضی از این افراد دیوانه خطرناک بوده و بعضی دیگر نیمه دیوانه هستند اثباتیون عقیده دارند باید محل اقامت این دو دسته نیز از هم مجزا و بر حسب طبیعت شان پیش بینی و تعیین شود

۳ - بزهکاران عادی

این طبقه نیز که از حیث عمل بمجرمین بالفطره شبیهند و از نظر قصور در تعلیم و تربیت یا وضعیت محیط زندگی شان جزء بزهکاران غیر قابل اصلاح در آمده اند باید از اجتماع رانده شوند

۴ - بزهکاران اتفاقی

این دسته که عوامل نامساعد زندگی آنها را بطور اتفاق بارتکاب بزه وامیدارد باید تحت تربیت قرار گرفته و حتی الامکان از طرف محاکم جزائی مجازات حبس نباید درباره آنان تعیین شود زیرا اقامت در زندانها آنها را جزء بزهکاران عادی در میآورد

۵ - مجرمین احساساتی

این طبقه مردمان صحیح‌العملی هستند که تحت تأثیر احساسات خود و برای جبران ضرر مادی یا معنوی که بآنان وارد میشود در صدد ارتکاب جرمی بر میآیند مجازات این قبیل افراد باید تعلیق و یا در موارد خیلی مهم بتبعید آنان قناعت شود

این بود شرح مکتب اثباتی جدید که در فلسفه حقوق جزا از شصت سال باینطرف ظهور نموده و با مکتب قدیمی کلاسیک در مقام معارضه برآمده این معارضه ابتدا خیلی شدید بود ولی تدریجاً عقاید بهم نزدیک شده و مکتبهای مخلوط از دو مکتب بالا پیدا شده است که باید آنها را تحت عنوان عقاید عملی و تجربی نامید.

زیرا در این مکتب‌های جدید است که تئوریهای قدیم با تجارب بعدی ممزوج شده و یک قسم مکتب نوینی را که بحقیقت نزدیکتر است بوجود آورده است .
در فرانسه و بلژیک این مکتب جدید از عناصر زیرین تشکیل یافته :

۱ - عقاید فلسفی مکتب کلاسیک

۲ - سنجش تصمیم مرتکب

۳ - نتایج تجربی اثباتیون

۴ - مجازات بزهکار از نظر انتقام

۵ - مفید بودن مجازات

۶ - تأثیر وسایل جلوگیری از جرم

۷ - محدود نمودن مجازات

بعد از مکتب کلاسیک مکتب دیگری بنام نئوکلاسیک پیدا شده که اصول آن در کتابهای سالیل Saleilles و کوش Cuche منعکس است.

تحولاتی که در قوانین جرائی بوجود آمده

در ایتالیا سازش مکتب‌ها در طریق دیگری بوده و دانشمندان جرم‌شناسی مانند آلیمنا Alimena و کارنیوال Carnival عقیده جبر Determinisme را از مکتب اثباتیون پذیرفته ولی قسمتی از نتایج عملی آن و همچنین آنچه را که مربوط به مجازات بعنوان وسیله جلوگیری از وقوع جرم در نظر گرفته شده است مورد استفاده قرار داده و خود مکتب ثالثی را بنیاد گزارده‌اند که بنام مکتب انتقادی Ecole Critique معروف است. متأسفانه و با وجود اینهمه مطالعات و اختلاف مکتب‌های گوناگون روز بروز بر شماره جرایم با انواع مختلف آن و تعداد بزه‌کاران افزوده میشد و ضرورت ایجاب مینمود که باین مشاجرات فلسفی خاتمه داده شود و با تأسیس وسیله دفاع اجتماعی، متفکرین و دانشمندان در صدد چاره جوئی برآیند.

این وظیفه اخلاقی و اجتماعی را اتحادیه بین‌المللی جزائی که در سال ۱۸۸۹ بشرکت پرینس Prins - فان هامل Van Hamel و فون لیست Von Liszt تشکیل یافت انجام و عقیده نوینی که میشود آنرا اصول عملی Pragmatisme نامید بمنصه ظهور پیوست این مکتب از افکار و عقاید ویلیام جیمس William Jamse و شیلر Schiller و عده‌ای از فلاسفه دیگر سرچشمه گرفته و خلاصه آن اینست که هیچ قانون و مقرراتی از نظر علمی قابل قبول نیست مگر اینکه نتیجه عملی از آن عاید گردد و از نظر اخلاقی نیز قانونی که برخلاف وجدان تنظیم شود شایسته پذیرش نمیشد.

بنابراین هیچوقت نباید از کشف اسرار و رموز مکتب‌های جبر و تقویض انتظار نیل به هدف را که جلوگیری از فساد فردی و اجتماعی است داشت باید کار کرد و نتیجه گرفت و موفق شد و در موفقیت است که حقیقت بطور عریان خود را نشان خواهد داد.

با وجود این عده‌ای از جرم‌شناسان هستند که هرگز خودشان را راضی بموقع‌بینی و مقتضیات روز ننموده و علیه اصول عملی و عقاید اثباتی و کلاسیک قدیم یا جدید علم مخالفت بر افراشته‌اند.

اینان پیر و مکتب‌نویس‌های هستند که در ایتالیا بوسیله پروفیسور لانزا Lanza استاد دانشگاه کاتان Catane تحت عنوان انگیزه بشری Humanisme طرح و خلاصه آن در مجله بین‌المللی حقوق جزا در ۱۹۲۰ بچاپ رسیده و خلاصه آن اینست که کلیه افعال و کردار بشر تابع طبیعت و نیازمندیهای اصلی اوست.

این مکتب سایر مکتب‌های جزائی بویژه عقیده اثباتی را مورد حمله قرار داده بی‌اعتنائی‌شان را که نسبت بقوانین اخلاقی از خود نشان داده‌اند نکوهش میکند و معتقد است که حقوق جزا با اخلاق و روانشناسی تماماً ارتباط دارد و بزه در حقیقت نقض احساسات اخلاقی و جریحه دار ساختن وجدان بشری است و کیفر وسیله تربیت بزه‌کاران و راهنمایی ارواح سرگردان آنان بزندگی عادی میباشد.

با این وصف مکتب انگیزه بشری از روز پیدایش تاکنون نفوذ عمیقی در بسط و توسعه حقوق جزا نداشته و بر حسب نتایج مثبت یا منفی خود که گاهی صحیح و زمانی

تحولاتی که در قوانین جزائی بوجود آمده

مستقیم تلقی شده است نتوانسته اصول و قوانین ریشه دار و تلقین در حقوق جزا وارد نماید در صورتیکه مکتبهای کلاسیک و اثباتی و اتحادیه بین المللی بخوبی توانسته اند تغییرات مهمی را ایجاد و از ۱۸۱۰ باینطرف تحولات تدریجی در آن پدید آورند و این تحولات در فرانسه سه دوره مشخص منقسم میگردد.

دوره اول که از ۱۸۱۰ تا ۱۸۷۰ ادامه داشته دوره تخفیف مجازات نامیده میشود در ۱۸۱۴ نسبت بپادداشت اموال و در ۱۸۳۲ نسبت بمجازات اعلام محدودیتهائی پیش بینی و بعضی کیفر های زمان توحش لغو و اوضاع و احوال محفنه منظور و در ۱۸۴۸ مجازات اعدام در جرایم سیاسی بکلی ممنوع و در ۱۸۵۴ کیفر محرومیت از حقوق اجتماعی لغو و در ۱۸۶۳ حبس تأدیبی بمنظور تهیه وسایل تهذیب اخلاق زندانیان پیش بینی شد.

دوره دوم از ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴ بوده در این دوره دانشمندان و محققین به تخفیف مجازات کمتر اندیشیده بیشتر برای رده بندی بزهکاران مطالعه میکردند در ۱۸۸۵ مجازات تبعید برای بزهکاران حرفه پیش بینی شد و در ۱۹۱۲ محاکم مخصوصی برای اطفال تأسیس و رژیم جزائی کودکان از بزرگان مجزا گردید.

دوره سوم از ۱۹۱۴ تا کنون است که باید از جهاتی آنرا دوره برگشت نامید زیرا در این دوره بطور کلی بر شدت مجازات، مخصوصاً نسبت بزهکاران علیه مصالح عمومی کشور افزوده شده است.

در سایر ممالک اروپائی نیز بغیر از آلمان و ایتالیا که قوانین جزائی شان روی رژیم حزبی شان تنظیم و بعد از جنگ اخیر هنوز تغییرات مهمی در آنها ایجاد نشده تحولات حقوق جزا با کم و بیش اختلافی بهمان دوره های سه گانه کشور فرانسه شبیه است و از چند سال پیش اکثر ممالک اروپائی در صدد اصلاح و تغییر حقوق جزائی خودشان بوده و در فرانسه ابتدا ادارات تهیه قوانین موادی را که برای نیازمندیهای اجتماعی لازم تشخیص میدهند تنظیم و سپس از نظر علمی و تجربی در معرض افکار دانشمندان دانشگاه و قضاة عالی مقام دادگستری میگذارند و پس از جلب عقیده آنان و حکم و اصلاح برای تصویب بمجلس شورا تقدیم میدارند امید است در مملکت ما نیز وضع قوانین تابع این ترتیب باشد!